

مہر دلدار

دل نوشتہ نامی اخلاقی عرفانے
در نظم و نثر پارے

بامقدمہ استاد محمد علی مجاہد

محمد جواد نور

نوری، محمد جواد،

مهر دلدارها: دل نوشته های اخلاقی عرفانی در نظم و نثر فارسی / محمد جواد نوری

تهران: ایده نو، ۳۳۶ ص، چاپ دوم ۱۳۸۸

۹۷۸-۶۰۰-۹۰۰۳۷-۴-۷ ریال ۶۰۰۰۰

فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیپا

ادبیات فارسی - مجموعه ها ، شعر فارسی - مجموعه ها ، نثر فارسی - مجموعه ها

۱۷۶۱۴۲۹ - ۸ فا ۰/۸

PIRF۰۰۵ / ۹۳م ۹۱۳۸۸

مهر دلدارها

(نمونه ای از برگزیده ترین آثار عرفانی و اخلاقی در نظم و نثر فارسی)

پدیدآورنده: محمد جواد نوری

Email: mj.nori@yahoo.com

ناشر: انتشارات ایده نو

چاپ دوم: زمستان ۱۳۸۸

شمارگان: ۳۰۰۰

تعداد صفحات: ۳۳۶

قطع: وزیری

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۹۰۰۳۷-۴-۷

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

کلیه حقوق برای ناشر محفوظ است



تهران، میدان انقلاب، خیابان ۱۲ فروردین، کوچه نوروز، پلاک ۷

تلفن: ۶۶۴۱۴۴۱۵ - نمابر: ۶۶۹۶۰۸۳۵

کد پستی: ۱۳۱۴۶۸۴۶۳۳ - صندوق پستی: ۱۷۷۵-۱۳۱۴۵

www.newideabook.com info@newideabook.com

هو الجمیل



یک قصه بیش نیست غم عشق، وین عجب
کز هر زبان که می شنوم نامکرست
لسان الغیب



گزینش آثار ماندگار در ساحت نثر و نظم فارسی از دیرباز نظر صاحب نظران و سخن
سنجان شعر شناس را به جانب خود معطوف ساخته است، ولی در سده اخیر، شتاب
چشمگیری گرفته و دهها اثر در زمینه های مختلف عرفانی، اخلاقی، اجتماعی و تربیتی،
توسط اهل قلم از متون متین منثور و منظوم انتخاب و در اختیار شیفتگان معارف
گرانسنگ اسلامی قرار گرفته است.



از آثار گردآوری شده می توان به میزان حسن سلیقه پدیدآورندگان آنها و اشرافی که
به تبیین مقوله های انتخابی داشته اند، پی برد.



انتخاب، کار بسیار دشواری است و هر چه قلمرو موضوعی، گسترده تر باشد، کار
انتخاب را دشوارتر می سازد، و کیست که نداند بازتاب مقوله های عرفانی و آموزه های
اخلاقی در نثر و نظم فارسی به اندازه ای است که برای مروری گذرا در این عرصه پهنآور،
نیاز به صرف سال ها وقت است تا چه رسد به انتخاب بهترین ها و دلنشین ترین آثار در دو
حوزه ی کران ناپیدای عرفانی و اخلاقی!



مجموعه ارزشمندی که در اختیار شماست، حاوی نمونه هایی از برگزیده ترین آثار
عرفانی و اخلاقی در گستره نثر و نظم فارسی است و پدیدآورنده این گنجینه ارزشمند،
روحانی فرهیخته و دلسوخته حجت الاسلام آقای محمد جواد نوری به خاطر طبع روان و
برخورداری از شور بیدلانه و حس و حال عارفانه، این توفیق را داشته اند که دسته
گل هایی همواره بویا از گلزار همیشه شکوفای شعر و ادب فارسی را به محضر سالکان
وادی عرفان و اخلاق اسلامی پیشکش نمایند، که از شمیم روح افزای آنها جانی دوباره
یابند تا از خطرات این دو وادی خطیر، روی برنتابند چرا که پویندگان راه طلب، همواره
کامیابند و ذره های عاشق، پیوسته در محضر آفتاب.



بمنه و کر مه / مرداد ماه ۸۷ / محمد علی مجاهدی (پروانه)

مقدمه ناشر

کاروان آدمیان را می‌بینم، در بستر پرنشیب و فراز تاریخ در حرکت، مضطرب و ناآرام، پرکار و پرتلاش در کنکاش، به زمین و آسمان می‌آویزند، در اعماق و در اوج، در جستجو و تکاپو، گاه عرق می‌ریزند و گاه می‌لرزند، تشنه و گرسنه، می‌خورند و می‌آشامند، از خستگی باز می‌ایستند. کمی استراحت لازم است، آتشی از درون شعله می‌کشد، خاموش می‌شود، تکثیر می‌شوند، معجونی از زیبایی و زشتی، رمقی نمی‌ماند و بالاخره خواب.

احساس نیاز فزونی یافته خواب را در هم می‌شکند و مجدداً راه ادامه می‌یابد. کوله بار افزوده می‌شود، نیاز بیشتر و راه سخت‌تر، از هم سبقت می‌گیرند، دیر بجنبند جا می‌مانند، به هم تنه می‌زنند، بعضی به زمین می‌افتند، بعضی شان برخاسته راه را ادامه می‌دهند، و بعضی دیگر توان برخاستن از دست داده، از راه می‌مانند، ناله می‌زنند، له می‌شوند و فراموش می‌گردند.

روز و شب در محدوده طلوع و غروب خورشید میدان تلاش و استراحت آدمیان در گستره هستی فراهم می‌آید. هیچ چیز تکرار نمی‌شود، لحظه‌ها نردبانی است که صعود بر آن، افق دید را وسعت می‌بخشد؛ آدمی در خاک خلق می‌شود، چشمانش رو به آسمان است، پرواز را تمرین می‌کند.

صانع هستی است که آفرینش انسان را چنین تقدیر نموده است. انسان، اشرف مخلوقات، جمع ماده و معنا: «فتبارک الله احسن الخالقین»؛ انتخابگر، حریص افزون طلب و تکامل جو، زیبای زیبا، در بستر طبیعت خلق می‌شود، متأثر از همه شرایط موجود، رشد می‌یابد، همراه با انبوه آدمیان متفکرانه در پی رفع نیاز، عشق می‌ورزد، حرص می‌زند و طمع می‌ورزد، و سیری ناپذیر می‌اندوزد و لذت می‌برد. او نور، زیبایی و عشق را نیز به خوبی می‌شناسد.

در پی رفع نیاز، متفکر و کنجکاو به کشف و اختراع دست می‌یابد، علم را تصاحب نموده، به خدمت می‌گیرد، در نوسان مدام بین ماده و معنا تعدی می‌کند، تامل

می‌نماید، می‌اندیشد، باز می‌ماند، می‌تازد، پشیمان می‌شود، مجازات می‌گردد، اما هرگز باز نمی‌ایستد.

تاریخ پرماجرای زندگی آدمی از ابتدا که در غارها می‌زیست و تا امروز که در برج‌ها و آسمان خراش‌ها می‌زید، پر است از تلاش و جنگ و خونریزی و در پی آن، تلاش مداوم مصلحان و دانشمندان برای شناخت هر چه بیشتر انسان و وضع قوانینی که انسان در پناه آن به دور از جنگ و خونریزی و تعدی در کمال صلح و دوستی و عدالت و حفظ کرامت و عظمت نوع انسان زندگی نموده؛ از امکانات هستی یکسان برخوردار گردد.

در قرون اخیر، دانشمندان بزرگ علوم انسانی، جامعه‌شناسی و روانشناسی با مطالعه، بررسی و تحلیل دقیق و مستمر در موضوع انسان، اجتماع، فلسفه و تاریخ، نظریه پردازی نموده و هر روز افکار و اندیشه‌های جدید، متفاوت و بعضاً متضاد خود را به منظور کاهش درد بزرگ انسان تقدیم بشریت نموده‌اند.

ظهور اندیشه‌های سرمایه داری (کاپیتالیسم) و سوسیالیسم (مارکسیسم) در قرن گذشته موجب منازعات، درگیری‌ها و در نهایت صف بندی‌های بسیار در زندگی بشر گردید که از مظاهر آن ظهور و سقوط فاشیسم و شروع و پایان جنگ جهانی اول و دوم بود.

همچنین پیدایش مکاتب لیبرالی، تشکیل سازمان‌ها و اتحادیه‌های بشر دوستانه و وضع حقوق بشر نیز از مظاهر تلاش برای هدایت و حمایت از انسان معاصر و نسل‌های آینده بر مبنای استقرار یک نظام جهانی مبتنی بر رفاه، آرامش، حفظ حقوق و کرامت انسان‌ها، رفع ظلم و ستم و برقراری عدالت می‌باشد.

اکنون، قرن بیست و یکم و هزاره سوم میلادی در حالی شروع شده که علی‌رغم رشد اعجاز آمیز علوم تجربی و تخصصی و دست یابی به تکنولوژی و نانو تکنولوژی و گسترش فوق العاده علوم هوایی، دریایی، زمینی، کشف کرات، و سفر به سیارات و نیز دستیابی به منابع و ذخایر زیر زمینی و کنکاش در اعماق دریاها و نیز وصول به اختراعات و اکتشافات فوق مدرن و پیچیده در علم ارتباطات و حمل و نقل، همچنان بشر در جستجوی راهی است که سرمنزلش سعادت و آرامش و کمال باشد.

البته عرصه فعلی را هر کس متناسب با افکار و عقاید خود تحلیل می‌کند و آینده را نیز با همین رویکرد برنامه ریزی می‌نماید. اما اینکه انسان معاصر با توجه به این همه پیشرفت علمی و تکنولوژی و فراهم آمدن شرایط بهتر اقتصادی و رفاهی همچنان دچار نگرانی و تشویش از ناهنجاری‌های فراوان که موجب عدم امنیت روحی و روانی نسل

معاصرش می‌باشد، رنج می‌برد.

راستی چرا هنوز انسان علی رغم این همه پیشرفت باید شاهد بی‌عدالتی، فقر، ستم، اختلافات ناشی از رنگ پوست و نژاد و جنگ و خونریزی باشد؟

چرا انسان معاصر با این همه نظر و ایده اظهار شده از سوی دانشمندان جامعه‌شناس، روانشناس و... هنوز چراغ روشن در مسیر زندگیش بسوی آرامش نمی‌یابد؟

برای پاسخ به این سؤال همه روزه کتاب‌ها، مقالات، سمینارها و سخنرانی‌هایی نوشته یا برگزار می‌شود، اما هنوز نتیجه مطلوب حاصل نشده است.

بسیاری از مصلحان و دانشمندان پاسخ واقعی را در رویکرد معنوی و روحانی که انسان معاصر نسبت به آن بیگانه شده می‌دانند.

آری در طول تاریخ زندگانی بشر، هرگاه که اعتقادات روحانی و دینی از درون، قلب و پوسته ظاهریش آرایش یافت، نیمه معنوی انسان ضعیف و انسان و جامعه دچار بحران فکری و روانی گردید.

انسان عصر فن‌آوری اطلاعات، خود را وارث خطای بزرگی می‌داند که پیشینیان او پس از رنسانس، بدان مبتلا شدند. آنان خسته از بیداد کلیسای علم‌گریز آن زمان، با شعار انسان محوری (اومانیزم) با معنویت در افتادند. بنابراین نیمه دوم و اصلی خود را که نیمه معنوی و روحانی‌شان می‌باشد فراموش کردند و گرفتار احساس پوچی و از خود بیگانگی شدند که امروز به عنوان درد جانکاه بشریت یعنی «بحران هویت» از آن یاد می‌شود.

بشریت امروز اگر چه بر بلندای رفاه و اختراعات مادی ایستاده، ولی همواره در جان خویش خلأی سنگین و شکننده احساس می‌کند. تهی از معنویت و اخلاق، گرفتار زنجیر بردگی علم و تکنولوژی، درگیر بحران هویت، بحران خانواده، بحران اجتماع و ...

بنابراین امام علی علیه السلام، مظهر کامل وحدت علم و دین، سخن و عمل، صلح و جنگ و منادی عدالت برای حفظ کرامت انسان می‌فرماید: «العلم والدین، توامان و اذا افترقا، احترقا»؛ علم و دین با هم توأمند و چون جدا گردند، آتش ایجاد می‌شود.

مصلحین و اندیشمندان بشری که پوچی و تعدی انسان را در چهره باختن نیمه معنوی در برابر نیمه مادی و از خود بیگانگی‌اش دیدند، با نهیب عشق، او را به بیداری و بازگشت به خویشتن خویش دعوت نمودند. در ادبیات ایرانی نیز شعرا و عرفای چون: منصور حلاج، شیخ طوسی، ناصر خسرو، بابا طاهر، خواجه عبدالله انصاری، سعدی، عطار

نیشابوری، مولوی، شیخ بهایی، وحشی بافقی، فیض کاشانی، محتشم کاشانی و در قرن اخیر پروین اعتصامی، شهریار، امام خمینی (ره) و... صدها عارف و معلم بزرگ دیگر کوشیدند تا دریچه‌هایی از حقایق و اسرار هستی را به روی بشریت گشوده و آنها را به سوی زندگی فردی و اجتماعی خالی از پلیدی و زشتی فرا خوانند؛ اگر چه خود، در این راه به سختی افتاده و چون منصور، گرفتار سر دار شوند و به قول آن شهید شهیدان: «فلیرغب المؤمن فی لقاء ربه محقا».

آری توفیق یار گردید تا اثر پر ارزش اخلاقی و عرفانی جناب استاد آقای محمد جواد نوری همدانی را که از فرزندگان علم و ادب می‌باشند، مطالعه نمایم. این کتاب مجموعه‌ای است از انعکاس نفس عارفانه شاعرانی مصلح، امید که بر پیکر بی‌روح بشریت عصر ما دمیده شود، و نیستان وجود را شعله ور ساخته، زندگی را جانی دوباره بخشد. انتشارات ایده نو ضمن تقدیر و تشکر از استاد بزرگوار که این اثر مبارک و ارزشمند را گردآوری و تهیه و تنظیم کرده‌اند، افتخار دارد تا با چاپ و توزیع آن بتواند این پیام رسا را به همه دلدادگان و عاشقان برساند. امید که مورد رضایت حضرت حق و قطب عالم امکان، حضرت مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

آمین یا رب العالمین

سید حسین غضنفری

انتشارات ایده نو

بهار ۱۳۸۸